

جایگاه اخلاق در دانش اقتصاد؛
مروري بر نظريه‌هاي رقيب

ارائه کننده: سعيد نايب

موضوع مقاله

مساله

اقتصاد

- علم یا دانش اقتصادی به دنبال شناخت پدیده های اقتصادی است.
- اقتصاد رفتار خاصی از انسان است که با ارزشیابی و انتخاب در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف برای کسب موفقیت شکل می گیرد.
- پدیده های اقتصادی پدیده های اجتماعی هستند.

روش

- رویکردهای مختلفی در تلاش بوده اند که به توضیح یا تبیین رفتار اقتصادی و چرایی عملکرد متفاوت اقتصادها بپردازند.

هدف مقاله

- سؤال اساسی مقاله این است که جایگاه اخلاق به عنوان یک پایه اطلاعاتی در تبیین عملکرد اقتصادی انسان و اقتصادها در کجا قرار دارد؟

روش تحلیل

هر رویکرد ارزیابی کننده می تواند تا حدود زیادی به وسیله مبانی اطلاعاتی آن مشخص شود: اطلاعاتی که با استفاده از آن رویکرد، ارزیابی کردن ضروری است و نیز - به همان اندازه مهم - اطلاعاتی است که برای ارزیابی در آن رویکرد کنار گذاشته می شود. کنار گذاشتن اطلاعات از بخش های مهم یک رویکرد ارزشیابی کننده است. زیرا ماهیت این رویکرد ممکن است قویاً تحت تاثیر اطلاعات کنار گذاشته شده باشد (سن، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

نظريه هاي رقيب

- مفاهيم نظري رفتار اخلاقي و دستگاہ نظري

مباني

- تبين نظريه هاي رقيب

- جا يگاہ ر اخلاق در نظريه ها

جمع بندي

انواع قواعد عملی

قواعد مهارت

- مبتنی بر پیش فرض اراده آزاد است.
- مساله گرا هستند.
- بریک غایت تحکمی دلالت دارند.

قواعد بصیرت

- مبتنی بر پیش فرض اراده آزاد است.
- توانایی کاربرد وسایط در جهت غایت کلی ان سان یعنی سعادت
- بر یک غایت معین دلالت دارند.

قواعد اخلاقی

- مبتنی بر پیش فرض اراده آزاد است.
- دارای غایت معینی نیست.

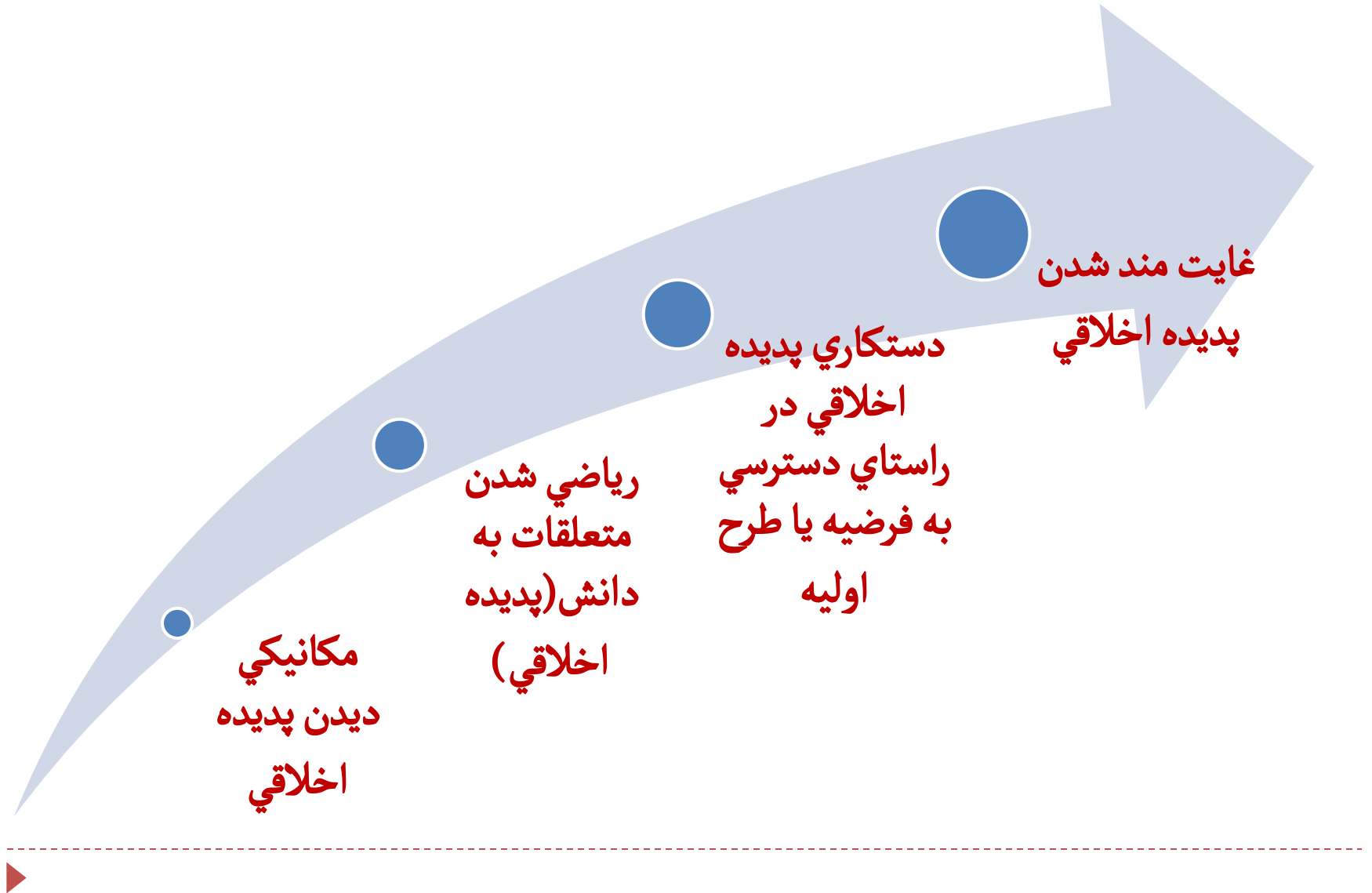
اصول بنیادی افلاق

- **اصول احکام نظري الزام:** این اصل راهنما ست. اینکه چه چیزی اخلاقاً خیر است یا نیست.
- **اصول اجرایی یا عملي الزام:** این اصل قوه محرکه یا مبداء شوق است. چه چیزی ما را تحريك مي کند که مطابق آن زندگی کنیم. این عوامل محرك درون ذهني یا احساس اخلاقي است.

نظام اخلاقی مبتنی بر تجربه

- نظام اخلاقی مبتنی بر تجربه: اخلاق از یک اصل تجربی استنتاج می شود. در اینجا وجود یک احساس مسلم فرض می شود. احساس جسمانی و احساس اخلاقی
- احساس جسمانی که در خودخواهی قرار دارد وریشه در منافع شخصی قرار دارد. نگاه اپیکور و ماندوویل
- احساس اخلاقی: احساسی که بر اساس آن انسان تشخیص می دهد چه چیزی خوب و چه چیزی بد است.
- این نظام اخلاقی در مرحله دوم مبتنی بر مبانی خارجی است که شامل **قواعد تربیتی و قوانین حکومتی** است.

ویژگی های نظام اخلاقی تدریجی



نظام اخلاقی مبتنی بر عقل

- اخلاق از يك اصل عقلي مشتق مي شود و مي تواند تماماً پیشینی باشد.
- اصول اخلاقی در این چارچوب کلی، ثابت و ضروری می باشند و نمی توانند از تجربه استنتاج شوند و صرفاً از عقل محض استنتاج می شوند.
- اخلاق متعلق صرف فاهمه است.

ویژگی های امر اخلاقی در نظام اخلاقی مبتنی بر عقل

- علم اخلاق نمی تواند بدون انسان شناسی وجود داشته باشد
- قواعد اخلاقی: امر رفتاری است- فاقد غایت معین و مبتنی بر آزادی اراده است
- اخلاق عبارت است از انطباق رفتار با قانون عام (کلی) اراده آزاد



تفاوت افلاق و حقوق

- علم اخلاق متکفل بحث در رفتار آزاد است تا آنجا که انسان در انجام این اعمال مجبور نیست، حقوق قطعی متکفل بحث در رفتار آزاد است تا آنجا که انسان مجبور به انجام این اعمال است.
- عقیده و نیت ممکن نیست مورد دستور حاکم واقع شود، زیرا يك امر درونی است و قابل شناخت نیست. فقط اخلاق است که دستور می دهد که اعمال با نیت خوب انجام شوند.
- علم اخلاق قوانین اخلاقی را ناشی از افراد دیگر نمی بیند، بلکه ناشی از خدا و وجود انسان است. ثانیاً اگر متکی بر قوانین دیگر باشد، الزام عمل متکی بر اراده تحکمی دیگران نیست، بلکه بر خاسته از خود رفتار است.

مفهوم اخلاق در مقاله

اخلاق مبتنی بر اصل عقلی است

اخلاق مبتنی بر اراده آزاد انسان خردورز است تا آنجا که در انجام آن
مجبور نیست

امر اخلاقی فاقد غایت معین است

مفهوم دستگاه نظری در اقتصاد

واحد تحلیل

- **واحد تحلیل:** عبارت است از پایه اطلاعاتی یا مفهومی که بر اساس آن رفتار اقتصادی یا انتخاب های اقتصادی تبیین می گردد. به عبارت دیگر بر مبنای واحد تحلیل عملکرد اقتصادی توضیح داده می شود.

مبنای روش شناختی و جایگاه فرد انسان

- اقتصاد در زمره علوم انسانی است. در این چارچوب ، نقش و جایگاه فرد انسان در شکل گیری عملکرد اقتصادی به عنوان مبنای روش شناختی در نظر گرفته می شود که در طیف روش شناسی فردگرایانه تا روش شناسی جمع گرایانه قرار می گیرد.

نحوه تبیین

- تبیین به معنای عام آن ، پیچیدگی مساله ای را آشکار کردن یا به تعبیر دیگر زدودن و عقل پسند کردن جوانب نامفهوم هر پدیده ای است. در تبیین دو کار مهم می بایست صورت گیرد: **نخست آنکه پدیده تعلیل شود ، یعنی علت وقایع گفته شود ، دوم آنکه ارتباط بین وقایع نشان داده شود**

دستگاه نظری نئوکلاسیک

واحد تحلیل

- در رویکرد نئوکلاسیکی از حد نهایی به عنوان واحد تحلیل استفاده می شود. به عبارت دیگر، در این چارچوب رفتار اقتصادی و در نهایت عملکرد اقتصادی بر اساس نتایج تغییر آخرین واحد متغیر اقتصادی ارزیابی می شود. هزینه نهایی-درآمد نهایی-مطلوبیت نهایی..

مبنای روش شناختی و جایگاه فرد انسان

- روش شناختی فردگرایانه است که جامعه را چیزی جز جمع جبری تک تک افراد جامعه نمی داند. نتیجه آنکه جامعه مفهومی هویتی مستقل از افراد حاضر در جامعه ندارد. در این چارچوب انسان اقتصادی، انسانی است که تنها معیار عقل ابزاری می باشد

نحوه تبیین

- فرد انسان دارای عقلانیت کامل است. ذهن محاسبگر این انسان قابلیت ارزیابی دقیق نتایج رفتار اقتصادی مبتنی بر حد نهایی در جهت حداکثر شدن منافع خود را دارد.
- نتیجه حداکثرسازی منافع حداکثر شدن منافع کل جامعه خواهد بود.
- افراد جامعه در شرایط اطلاعات یکسان و بدون پرداخت هزینه مبادرت به انتخاب می کنند.

دستگاه نظری مارکسیستی

واحد تحلیل

- **طبقه:** افراد تنها در رابطه با یکدیگر اهمیت و معنا می یابند. طبقه به گروه اجتماعی وسیعی اطلاق می شود که اعضای آن در درون وجه تولیدی خاصی، در چارچوب روابط اقتصادی مشخصی، با هم ارتباط دارند.

مبنای روش شناختی و جایگاه فرد انسان

- در نگاه جمع گرایانه نیز اساسا فرد مقهور نیروهای اجتماعی است و منطقه آزادی برای عملکرد او وجود ندارد. در رویکرد انسانی غیرعقلایی (فاقد قدرت انتخاب و مقید به زمان و مکان) در نظر گرفته می شود

نحوه تبیین

- نحوه تبیین عملکرد اقتصادی در چارچوب رویکرد دیالکتیکی و در نتیجه تضاد طبقه های اجتماعی است. این امر ناشی از تحولات در شیوه تولید است.
- در این چارچوب مناسبات اجتماعی نتیجه تحولات در شیوه تولید می باشد. فرد انسان نیز در درون طبقه، مختصات متناسب با طبقه خود را دریافت خواهد نمود.

دستگاه نظری نهادگرایی جدید

واحد تحلیل

- در دستگاه نظری نهادگرایی جدید نهاد به عنوان واحد تحلیل مورد توجه قرار گرفته است. در رویکرد نهادگرایان جدید، نهادها قواعد بازی هستند. نهادها الگوهای تعاملی هستند که بر روابط افراد حاکم بوده و آنها را مقید می‌سازد.

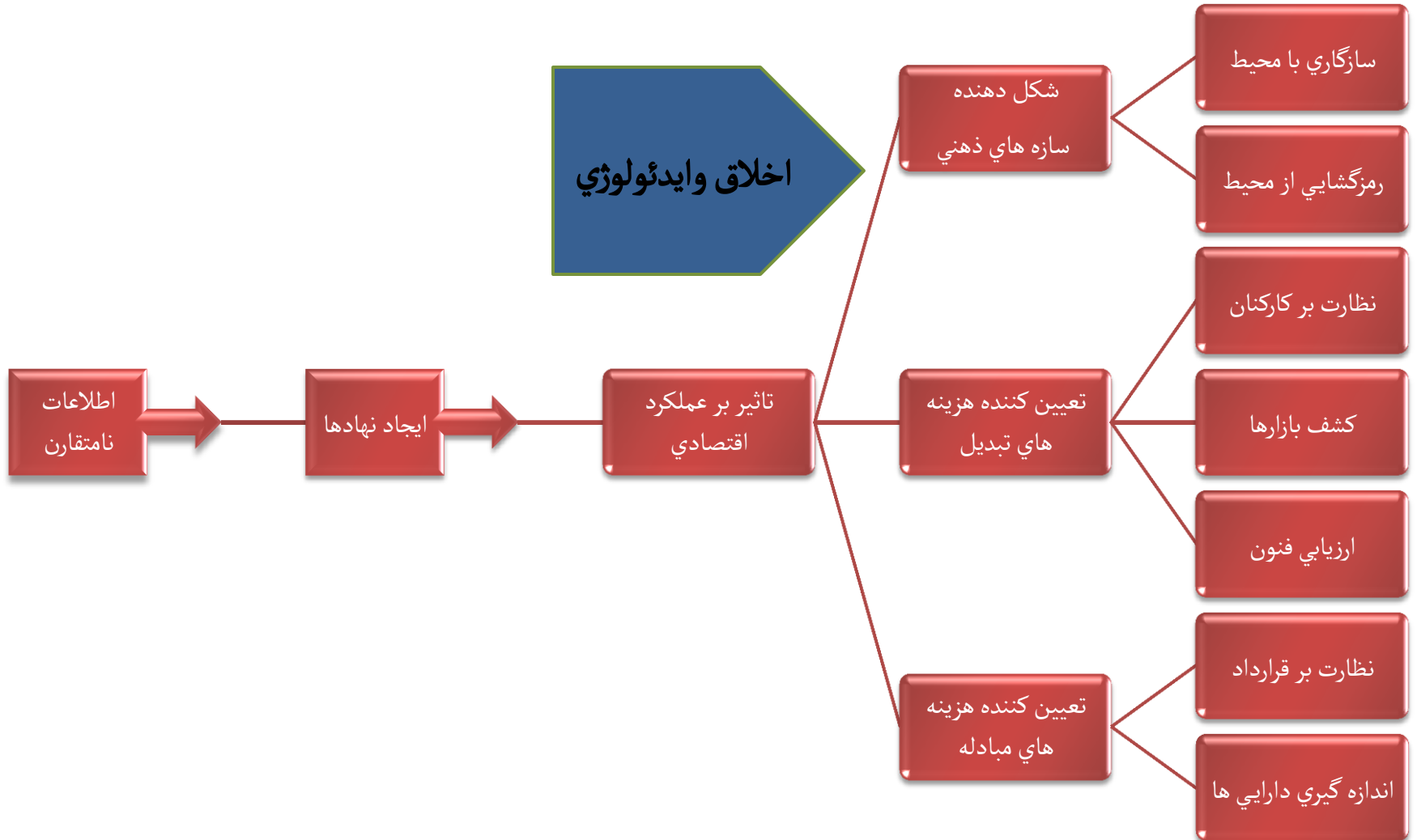
مبنای روش شناختی و جایگاه فردانسان

- دستگاه نظری نهادگرایی جدید در نظر گرفتن تاثیر نهادها به عنوان عوامل محدودکننده رفتار انسانها، منطقه معینی برای رفتار آزادانه انسان در نظر گرفته که از آن تحت عنوان عقلانیت ناقص یاد می‌کند

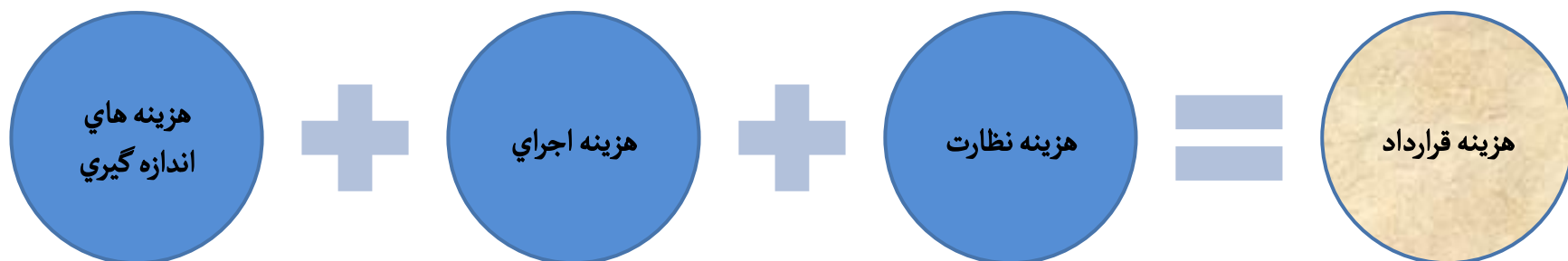
نحوه تبیین

- انتخاب فرد انسان در محدوده معینی که توسط نهادها تعیین می‌گردد امکان پذیر است. ضمن آنکه در شرایطی معین فرد انسان توانمندی تغییر نهادها را خواهد داشت.
- بازیگران اقتصادی در شرایط اطلاعات یکسانی فعالیت نمی‌کنند. اطلاعات نامتقارن زمینه فرصت طلبی افراد را فراهم می‌کند. بنابراین هزینه‌های مبادله در اقتصاد مثبت خواهد بود.
- روابط اقتصادی در چارچوب قراردادها (خواه نوشته شده و خواه نانوشته) و بر مبنای حمایت نهادهای پشتیبان صورت می‌گیرد. در همه اقتصادها قراردادها بصورت ناقص اجرا می‌شود.

نحوه ورود نهادها به عملکرد اقتصادی



هزینه اجرای قرارداد

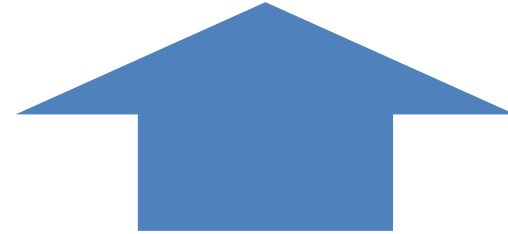


عامل یا نماینده



قرارداد (انتقال مالکیت)

عامل یا نماینده



- درجه پیچیدگی مبادله اقتصادی ، تابعی است از سطح قراردادهای لازم برای انجام مبادله در اقتصادهایی که به درجات گوناگون تخصصی شده‌اند (ص ۶۵).
- هرچه میزان تخصصی شدن و تعداد و تنوع صفات با ارزش بیشتر باشد ، باید به نهادهای قابل اطمینانی که به افراد امکان می‌دهند تا با حداقل تردید درباره تحقق شرایط قرارداد به پذیرش قراردادهای پیچیده تن در دهند ، اهمیت بیشتری داد (ص ۶۵).
- در شرایطی که افراد به دنبال حداکثر کردن ثروت خویش باشند و در جایی که هزینه‌های سنجش سنگین باشد و هیچ شکلی از اجرا میسر نگردد ، منافع ناشی از کلاهبرداری و خلف وعده ، از سودهای حاصل از رفتار مبتنی بر تعاون بیشتر می‌شود (ص ۹۷).



نهادگرایی جدید

اجرای ناقص قراردادها بدین معنی است که افراد در روابط اقتصادی توانمندی رفتار فرصت طلبانه را خواهند داشت. به عبارت دیگر فضایی برای رفتار اخلاقی افراد ایجاد خواهد شد.

این بدان معنی است که در دستگاه نظری نهادگرایی جدید اخلاق نقش مهمی در اجرای قراردادها و به تبع آن هزینه های مبادله خواهد داشت. هر قدر اقتصادی هزینه های مبادله کمتری داشته باشد، آن جامعه توسعه یافته تر خواهد بود.

مارکسیستی

تفکر اخلاقی ناشی از زیربنای اقتصادی یا همان شیوه تولید است. به عبارت دیگر اخلاق تابعی از روابط تولیدی می باشد.

اخلاق معلول ابزار تولید است.

ضمن آنکه جایگاهی برای اراده انسان در حوزه اقتصاد وجود ندارد.

نئوکلاسیک

فرض اطلاعات کامل موجب آن گردیده است که اخلاق از تحلیل های اقتصادی خارج گردد. زیرا اساساً اطلاعات کامل مانع از هرگون رفتار فرصت طلبانه خواهد شد و از این منظر افراد فضایی برای رفتار غیر اخلاقی نخواهند داشت.

با وجود منفعت طلبی نیازی به نیکوکاری نخواهد بود.

جمع بندي و نتيجه گيري

در روند اقتصادي مبادلات در
حال تغيير از حالت ايستا به
سمت پويا هستند

فناوري موجب پيچيده
تر شدن دارايي ها
گرديده است

اين به معني تشديد
اطلاعات نامتقارن
است

نوآوري نهادي به منظور کاهش
اطلاعات نامتقارن

حرکت به سمت اخلاقي تر شدن
جوامع از طريق تاثير گذاري بر
سازه هاي ذهني

حرکت به سمت توسعه